



بسم الله الرحمن الرحيم

نکته سوم در دلالت آیه

چند نکته در ادامه بحث آیه سوره مائده باقی مانده که عرض می‌کنیم. در مبحث یازدهم ذیل آیه این سؤال مطرح شد که آیه شامل بردوباختی که با آلات غیر معده قمار باشد می‌شود یا نه؟

پاسخ به این سؤال مبتنی بر این است که میسر را به معنای اول بگیریم یا به معنای دوم، اگر میسر را به معنای اول یعنی به معنی بازی بگیریم که در آن بردوباخت است نه آلات، ممکن است کسی قائل به این شود که میسر، به معنی بازی با بردوباخت شامل این بحث ما هم می‌شود ولو اینکه آلات معده نباشد، چون میسر به معنی لعب با رهان شد و لعب با رهان، چه با آلات معده باشد چه با غیر آلات معده باشد مطلق است و شامل اینجا می‌شود؛ اما اگر نظر دوم را پذیرفتیم که مفهوم میسر آلات معده للقمار است طبعاً آیه شامل بازی که با غیر آلات معده للقمار باشد نمی‌شود. این را عرض کردیم. اگر کسی بگوید که می‌شود از آلات معده به غیر آلات معده القا خصوصیت و تنقیح مناط کرد این هم اول کلام است و نمی‌توان مطمئن به چنین تنقیح مناطی بود.

شاید شارع در حکم خود، جایی که بردوباخت با آلات ویژه و خاصه هست، منع می‌کند و مفسده را در آن می‌بیند؛ اما اگر با آلات معده للقمار نیست به شکل دیگری است که شرط‌بندی می‌کند و بردوباختی قرار می‌دهد، این شاید مانعی نداشته باشد؛ یعنی ممکن است مفسده‌ای که در نظر شارع است مثلاً وقتی که چیزی به صورت آلات معده شد بردوباخت بشود، اشکال دارد. ولی از باب اتفاق با وسیله‌ای، بردوباخت کردند و لذا تنقیح مناطی هم مشخص نیست.

نظر مختار در دلالت آیه

با توجه به اینکه ما مبنای دوم را در تفسیر آیه پذیرفته‌ایم که میسر به معنی آلات معده للقمار است و نه معنای اول، بنابراین به احتمال قوی آیه نمی‌تواند شامل بردوباخت‌های غیر آلات قمار بشود.

سؤال: با توجه به اینکه اقوال مختلف وجود دارد این نشان می‌دهد که آیات قمار موضوعیت ندارد هر جا که بتوانند عمل قمار را انجام بدهند بسته به سنت و شرایط مدل قمار عوض می‌شود. بعد از مدتی آله قمار می‌شود؟
جواب: تابع عرف منطقه است تا وقتی با آلات قمار نشده مانعی ندارد شاید نکته‌ای باشد که بردوباختی که محض در این امر شده اشکال دارد. تا حدی به ذهن می‌آید که ملاک بردوباخت باشد ولی اقریبیتی که اطمینان بیاورد که بگوییم



این قیاس نیست تنقیح مناط است این محل تردید است. رجس من عمل الشیطان می‌گوید بازی با آلات رجس من عمل الشیطان است اگر محرز بشود که خود بردوباخت رجس است ادله دیگری هم داریم که هم رجس را می‌گیرد هم باطلی که آیه بعد می‌گوید.

مبحث دوازدهم: صورت معکوس

دو نکته ذیل این آیه باقی می‌ماند که آن را هم تکمیل بکنیم و سراغ آیه بعد برویم. نکته دوازدهم ذیل آیه صورت معکوس مسئله است که باید ببینیم آیه چطور در مورد آن قضاوت می‌کند؟

صورت معکوس این است که بازی با آلات است ولی بدون بردوباخت، در اینجا ابتدا به‌طور واضحی به ذهن می‌آید که این دیگر، مشمول آیه هست برای اینکه آیه را به معنای اول نگرفتیم که بازی با رهان باشد، اگر معنای اول بود این را نمی‌گرفت چون اگر میسر به معنای اول باشد بازی با آلات است ولی بردوباخت در آن نیست پس آن را نمی‌گیرد. برای اینکه در معنای اول میسر یعنی خود همان بازی رهان بود و کار با آلات نداشت پس طبعاً اینجا را نمی‌گیرد. از روی تفریح بازی با آلات می‌کند نه اینکه بردوباختی باشد. این معنای اول را نمی‌گیرد؛ اما اگر معنای دوم بگیریم که ما گفتیم به معنای دوم است، آن وقت میسر به معنای آلات قمار که باشد ممکن است کسی بگوید این اطلاق دارد، چون می‌گوید خمر و المیسر، یعنی می‌گوید از آلات قمار اجتناب بکنید. ممکن است کسی بگوید چه بردوباخت در آن باشد و چه نباشد این اطلاق دارد.

به عبارت دیگر بازی با آلات بدون بردوباخت و پول و شرط‌بندی بنا بر احتمال اول که میسر به معنای بازی بردوباختی باشد آیه شامل آن نمی‌شود و بنا بر احتمال دوم ممکن است بگوییم آیه شامل آن می‌شود چون آیه می‌گوید از این آلات اجتناب بکنید. چه وقتی که بردوباختی در آن باشد و چه نباشد، اطلاق دارد.

اگر این‌طور باشد آن وقت مقتضای اینکه میسر به معنای آلات و معنای دوم باشد که از روایات، استفاده می‌شد شامل فرض قبلی نمی‌شود ولی همین احتمال در اینجا بنا بر اطلاق آن شامل آنجا می‌شود که بردوباختی در کار نباشد نتیجه این می‌شود که جایی که هر دو باشد، یعنی بردوباخت با آلات قمار که قدر متیقن آیه است. دو صورت دیگر که یکی از این دو حالت هست آیه جایی را می‌گیرد که بازی با آلات است ولی بردوباخت نیست؛ اما گفتیم آیه شامل بازی با بردوباخت بدون آلات آن نمی‌شود، ممکن است بگوییم اینجا چنین اقتضایی دارد ولی این اطلاق شاید شامل یک خدشه‌ای باشد یعنی حتی اگر بگوییم میسر به معنای آلات قمار است ابتدا گرچه به ذهن می‌آید اطلاق دارد یعنی آیه بازی با این آلات را چه بردوباخت در آن باشد و چه نباشد منع می‌کند، ولی شاید با یک دقت بتوان گفت میسری که ما



بر آلات قمار حمل کردیم در آیه منصرف به جایی است که بردوباخت هم باشد. درست است که میسر به معنای آلات قمار تفسیر شده ولی اینکه بگوییم مطلق آلات قمار، میسر است محل تردید است برای اینکه هرچند میسر را بر آلات نیز اطلاق می کنند اما اصل معنای میسر این بود که مالی را به چنگ بیاورد؛ و به احتمال قوی وقتی که میسر در معنای دوم هم به کار می رود (چه آن که در لغت گاهی آمده و یا آن که در روایات آمده که میسر به معنای آلات تفسیر شده)، بیشتر به ذهن می آید که مقصود آلاتی است که در بازی بردوباخت بکار می رود اما اگر آلات در یک بازی تفریحی بکار می رود و باز هم به آن میسر می گوید این، محل تردید است؛ و لذا ممکن است کسی اطلاق را نپذیرد و بگوید که تبادرات ذهنی یا حداقل تبادل به این طرف هم نباشد، در بعضی کتب لغات و در روایات میسر به آلات قمار تفسیر شده و تردید داریم که حتی آنجایی که بردوباخت هم در آن نیست میسر گفته شود.

نظر حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام بحثی داشتند و می فرمودند که شطرنج یک زمانی آلات معده للقمار بوده و محض در بازی قمار بوده و در زمان های متأخر بیشتر به صورت یک بازی فکری درآمده است این طور نیست که همیشه به صورت بردوباخت باشد، آن، موضوع عوض شده است.

ما می گوییم موضوع عوض نشده فرض این است که این آلات واقعاً معده للقمار است و عمده فلسفه آن، این است که با آن بردوباخت انجام می دهند. این مشمول آیه هست یا نه؟ گفتیم دو وجه دارد:

۱- یک وجه این است که بگوییم در آیه، میسر به معنای آلات معده است پس شامل بازی با آلات می شود حتی اگر برای بردوباخت نباشد، (در تحریر فتوای امام این بود بعدها این طور جواب داده اند).

۲- وجه دوم این است که بگوییم میسر ولو به معنای آلات معده للقمار است ولی انصراف به جایی دارد که برای بردوباخت با آن بازی می شود، این از باب اینکه بگوییم مفهوم اینجا را نمی گیرد (ولی ممکن است بگوییم مفهوم را می گیرد). از نظر لغوی انصراف بر آنجایی دارد که در بردوباخت با این آلات بازی می شود ولی اگر در غیر بردوباخت هست ممکن است بگوییم این مفهوم از آن انصراف دارد بعید نیست چنین انصرافی قائل بشویم.



نتیجه بحث یازدهم و دوازدهم

نتیجه بحث یازدهم و دوازدهم این می‌شود که آنچه مسلم است؛ آیه از بازی با آلات قمار برای قمار و بردوباخت منع می‌کند، یعنی جایی که هر دو قید جمع است؛ یعنی هم وسیله بازی او آلات قمار است و هم اینکه در مقام بردوباخت بازی می‌کند اما در صورتی که بازی با آلات قمار است ولی بردوباخت نمی‌کند و تفریحی بازی می‌کند و یا اینکه، بازی بردوباختی است ولی نه با آلات قمار، با کتاب یا چیزی که آلات قمار نیست، یک شرطی می‌گذارد که با آن بشود بردوباختی داشته باشد بعید نیست که بگوییم آیه شامل این دو صورت نمی‌شود، البته و روایات را باید بحث کنیم تردیدی وجود دارد، نمی‌گوییم قطعاً، به‌ظاهر آیه نمی‌شود تمسک کرد و اطمینان داشت که شامل این دو حالت هم می‌شود.

گفتیم با چهار احتمال مفهوم میسر، آلات است قید بازی بردوباختی هم در آن مأخوذ است یا اگر از نظر مفهومی مأخوذ نباشد انصراف به آن هست. قمار در اینجا نیست که بتوانیم بحث‌های قمار را به کار ببریم. این دو بحث یازدهم و دوازدهم مربوط به حالتی است که یکی هست و دیگری نیست و اگر هر دو قید باشد این قدر متیقن آیه شریفه است و مطمئناً آیه به‌طور قاطع از آن منع می‌کند.

مبحث سیزدهم: حکم تکلیفی یا وضعی؟

بحث سیزدهمی هم هست که بسیار سؤال مهمی است و آن هم اینکه آیه فقط حکم تکلیفی را بیان می‌کند یا اینکه حکم وضعی را هم می‌گوید؟ در بحث بازی قمار دوتا سؤال وجود دارد که یک سؤال از حکم تکلیفی است که بازی با آلات قمار با رهان تکلیفاً جایز است یا حرام است؟ یک بحث هم این است که بر فرض حرکت، اگر با آن تکسب کرد، کار حرامی کرد که وارد این بازی شد، آیا تصرف در این مال برای او حرام است یا حلال است یا اینکه این بحث از حرمت وضعی است؟

آنچه مسلم است این است که آیه شریفه ۹۰ سوره مائده، فقط حکم تکلیفی را بیان می‌کند یا علاوه بر آن حکم وضعی را هم افاده می‌کند؟

در پاسخ به این، بعد از فراغ از اینکه بدون تردید، آیه حکم تکلیفی را می‌گوید، می‌گوید رجس من عمل الشیطان فاجتنبه، از این کار یا از آلات قمار دوری بگزینند یعنی مرتکب این عمل نشوید. این حرمت تکلیفی و اینکه این عمل معصیت است به‌وضوح از آیه استفاده می‌شود. چون یک نهی مؤکد در آیه است و نهی مؤکد در قالب یک امر و الزام در



اجتنبوه هست، باید از این اجتناب بکنید؛ و لذا آیه بدون تردید افاده حکم تکلیفی و حرمت و اینکه این عمل معصیت است می‌کند.

سؤال: آیه علاوه بر حکم تکلیفی، حکم وضعی را هم افاده می‌کند یا نه؟

در پاسخ به این سؤال که علاوه بر این، آیا وضعی را هم افاده می‌کند یا نمی‌کند؟ این هم مبتنی بر این است که میسر را به چه معنای بگیریم. اینکه میسر را به چه معنایی بگیریم در بسیاری از فروع آیه اثر دارد:

- اگر میسر را بر معنی الاول تفسیر کنیم و بگوییم میسر یعنی همان لعب مع الرهان است، خود بازی را منع می‌کند، آیه قطعاً افاده حکم وضعی نمی‌کند و می‌گوید این کار اشکال دارد و از انجام آن اجتناب کنید. (غالب آقایان همین را فرموده‌اند) ولی اگر من این کار را انجام دادم و در بازی بردم و مالی به دست من آمد آن مال واقعاً منتقل می‌شود و ملک من می‌شود یا نه؟ ملکیت آن مال یا عدم ملکیت آن مال حلیت آن مال برای من یا عدم حلیت، آیه از آن ساکت... است و آیه فقط می‌گوید مرتکب این کار نشوید چون حرام است.

ما بیع‌های محرم و یا اعمال محرمی داریم، حتی بیعی داریم که تکلیفاً حرام است، اما مالی که به وسیله آن می‌گیرد جایز است، بیع عند الاذان، وقتی که نماز جمعه واجب تعیینی باشد دادوستد عند اذان یوم الجمعة تکلیفاً حرام است اما مالی که کسب می‌کند همه آقایان می‌گویند حلال است. جاهایی داریم که خود عمل و معامله حرام است اما ما یکتسب به حلال است.

اینجا بیش از این افاده نمی‌کند. اینجا می‌گوید از این بازی اجتناب کنید (میسر به معنای بازی شد) ولی اینکه آنچه به دست می‌آید از آن اجتناب بکنید از کجا می‌فرماید؟ به دلیل اینکه این بازی یک سرگرمی است در مفسده دخیل است ولی اینکه بگوییم مالش هم حرام است این طور نیست، سرگرمی آن، مؤثر در این است، یعنی مفسده در آن هست این است که این سرگرمی نباید ایجاد بشود؛ و ممکن است بگوییم مال اشکالی ندارد. چون سرگرمی در مال است این دخالت در آن حکم دارد ولی اینکه بگوییم مالی که کسب می‌کند حرام است و وارد ملک او نمی‌شود واضح نیست. سرگرمی که با اکتساب مال باشد و موجب شود فعل حرام باشد. ولی اینکه این مال هم اکتساب پیدا نمی‌کند این خیلی واضح نیست. این در صورتی است که معنای اول بگیریم که غالب آقایان هم همین را گرفته‌اند. بعضی هم که احتمال دوم را گرفته‌اند توجه به نکته بعدی نکرده‌اند.



- عرض مهم ما این است که «اما علی المبني الآخر و اذا قل لا بان الميسر به معنی آلات قمار» است اما اگر این را بگوییم مقداری فرق می‌کند و فرقی هم در اینجا ظاهر می‌شود که آیه شریفه می‌فرماید: از این آلات قمار اجتناب بکنید. علاوه بر این نکته اول که می‌گوییم میسر به معنای آلات قمار است گفتیم اجتناب مطلق است، خروج دو تا سه تا مورد از اطلاق اجتناب مانع از تمسک به اطلاق اجتناب نمی‌شود، اجتناب از این آلات بکنید که یکی از نمونه‌ها و مصادیق اجتناب از بازی با آلات قمار این است که در این مالی که به دست می‌آورد تصرف نکند.

مقدمات حکم وضعی

اگر مبنای دوم را بگوییم با سه مقدمه آیه می‌تواند حکم وضعی را افاده بکند:

- ۱- یکی اینکه میسر به معنای آلات قمار باشد چون اگر به معنای عمل باشد آیه ربطی به اینجا ندارد.
- ۲- مقدمه دوم این است که بگوییم اجتناب از آلات قمار دارای اطلاق است همان‌طور که این را نهایتاً پذیرفتیم.
- ۳- در بحث قبل وقتی می‌گوید اجتناب بکن یعنی از هر چیزی که مربوط به این است اجتناب بکن و یکی از مصادیق این، تصرف در مالی است که می‌خواهد با این آلات به دست بیاورد. یک مصداق اجتناب از این آلات این است که می‌گوید بازی نکن و یک مصداق هم این است که در مالی که از این طریق به دست آوردی تصرف نکن.

جمع‌بندی مقدمات سه‌گانه

پس سه مقدمه که اینجا جمع بشود حرمت وضعی استفاده می‌شود. اولاً، میسر به معنای دوم باشد دوم اینکه اجتناب اطلاق داشته باشد و سوم اینکه نهی تکلیفی به تصرف در آن مال مستلزم حرمت وضعی و بطلان است و اگر تصرف در مال را منع بکند عرفاً ملازم با بطلان معامله است. نسبت به خمر هم همین‌طور است، آیه مسلم، منع از شرب خمر می‌کند ولی آیا منع از تکسب خمر و بطلان تکسب از خمر هم می‌کند؟ می‌گوییم بله چون اگر اجتناب را مطلق گرفتیم گفتیم نهی از هرگونه ارتباط با او شامل تصرف در ثمن آن هم می‌شود، آن وقت تصرف در ثمن خمر که نمی‌شود کرد یعنی معامله باطل است و با این سه مقدمه ممکن است بگوییم آیه شریفه دلالت بر حکم وضعی هم می‌کند.

سؤال: نهی از عمل موجب بطلان معامله می‌شود؟



جواب: اگر چیزی به دست آوردی نه ولی عمل حرام است و ملازمه‌ای ندارد. می‌شود کار حرام باشد ولی مالی که به دست می‌آورد حلال باشد. مثلاً اینکه از فلان معامله منع حکومتی دارد ولی اگر معامله کرد، منع حکومتی موجب بطلان نیست. گناه کرده که خلاف دستور ولایتی و حکومت عمل کرده و یا هنگام اذان یوم جمعه اگر واجب تعیینی باشد گناه کرده که از نماز دور شده است ولی معامله‌ای که کرده، درست است آن ملک او می‌شود. مکتسبه. اینجا هم ممکن است این‌طور باشد می‌گوییم بنا بر معنای اول آیه بیش از این نمی‌تواند افاده کند و اگر هم معنای دوم گرفتیم و گفتیم اجتنبوا مطلق است اطلاق آن شامل تصرف در مالی می‌شود که به این ربط دارد. اگر تا اینجا اطلاق آن را پذیرفتیم، آن وقت می‌گوید این بالملازمه باطل است.

سؤال: زمانی که فقط بازی باشد اما قمار نباشد اطلاق اجتنبوا... ۳۱/۴

جواب: اطلاقی ندارد و می‌گوید از این بازی پرهیز کنید، معنای اول آلات نبود. این اطلاق یک بحث دیگری است. تردیدی که اینجا هست ممکن است کسی بگوید واضح نیست ولی ممکن است بگوییم واضح است. اطلاقی که ما می‌گفتیم، می‌گفتیم آنکه یقین داریم خارج است بیرون می‌رود بقیه اطلاق دارد. نهی در معامله موجب فساد نیست، اجتناب از این شمول دارد و اجتناب از یکتسب به را هم می‌گوید، این نهی از معامله نیست نهی از حاصل معامله است. یک بحث مفصلی گفتیم که نهی در خود معامله موجب فساد نیست ولی اگر به تصرف در عوض آن نهی تکلیفی بکند، این حتماً مستلزم فساد است اینجا باید بگوییم اجتنبوا اطلاق دارد شامل تصرف ما به ازای این عمل هم می‌شود، اگر تا این اندازه بگوییم آن وقت حکم وضعی این را می‌گیرد منتهی اطلاق را هم بپذیریم و این اندازه شمول داشته باشد فیه تأمل و تردد هست.

سؤال: بنا بر مبنای اول بازی با آلات قمار و بردو باخت و بنا بر مبنای دوم ما حکمی استخراج نکردیم؟

جواب: اگر به معنای اول باشد این حکم استخراج می‌شود اگر معنای دوم باشد که قدر متیقن آن‌ها هم آنجا که همراه بازی باشد، بعید نیست که بشود حکم وضعی را هم از آیه استفاده کرد، گرچه در ظهور ابتدایی به ذهن انسان نمی‌آید که آیه ربطی به معامله داشته باشد. البته همه این‌ها غیر از بحث رجس من عمل الشیطان است که ممکن است رجس یک تعلیلی باشد که شمول داشته باشد.

مبحث چهاردهم: افاده یک قاعده کلی

مبحث چهاردهم این است که ممکن است آیه افاده یک قاعده‌ای فراتر از این چیزهایی که در خود آیه آمده است بکند، در آیه آمده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ..»



لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» آیه می‌فرماید از این‌ها اجتناب بکنید به خاطر اینکه این‌ها «رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» و تحلیل که بشود آیه مرکب می‌شود به یک صغرا و یک کبرا و در نتیجه، صغرای آیه چهار صغرا دارد که الخمر رجس، المیسر رجس، الانصاب رجس و الازلام رجس که در یک جمله بیان شده است. قیاس کبرایی هم در آیه وجود دارد که تصریح نشده است. ولی نتیجه بدون این کبرا معقول نیست کبرای غیر مصرح که به دلالت التزامی ما از آیه استفاده می‌کنیم این است که کل رجس یجب الاجتناب عنه. نتیجه این است که فاجتنبوه، از این‌ها اجتناب بکنید برای اینکه این‌ها رجس است. این آیه شریفه وجوب اجتناب را منوط به عنوانی کرده که آن کبرای قیاس می‌شود و آن عنوان، رجس بودن است و چون اجتناب از رجس واجب است پس باید از آن اجتناب کرد. من عمل الشیطان هم که گفتیم نوعی قید توضیحی است که در اینجا آمده است یعنی الرجس یجب الاجتناب عنه مثل و الرجز فاهجر البته آنجا رجز دارد و اینجا رجس است یعنی از آیه استفاده می‌شود که اجتناب از رجس واجب است. تحلیل آیه شریفه این‌طور می‌شود. ممکن است با این تحلیل از آیه قاعده فقهی استفاده شود، یجب الاجتناب عن الرجس، رجس اینجا البته به معنای پلیدی است، از هر پلیدی باید اجتناب کرد حالا اگر پلیدی در خوراکی است که عرفاً آن را پلید می‌دانند باید اجتناب کرد و آیه اطلاق دارد که دیگر اختصاص به خمر و میسر ندارد یعنی هر چیزی که عرف در آن پلیدی می‌بیند باید از آن اجتناب کرد. هم اعیان را می‌گیرد و هم افعال را می‌گیرد، اعیانی که دارای رجسیت و پلیدی است اجتناب از آن‌ها لازم است، اعمالی هم که عرف آن را پلید می‌داند از آن‌ها باید اجتناب کرد آن‌وقت رجس هم همان‌طور که قبلاً در آیات شریفه گفتیم هم بر اعیان اطلاق شده است و هم بر افعال.

این رجسیت هم به افعال تعلق می‌گیرد و هم به اعیان و می‌گوید از رجس پرهیز بکن، اگر این را بگوییم از آیه یک تعلیل به دست می‌آید و تعلیل، یک قاعده عامه می‌شود آن‌وقت علت، تعمیم و تخصیص می‌دهد و می‌گوید اگر چیزی غیر از این چهارتا رجس بود از همین آیه می‌توان استفاده کرد که باید از آن اجتناب کرد چون آیه می‌گوید مبنای وجوب اجتناب، عنوان رجس است و کبرای در آیه پنهان است که از مدلول التزامی آیه استفاده می‌شود و آن کبرا این است که یجب الاجتناب عن الرجس و کل ما هو رجس ولو من غیر هذا الامور المذكور فی الآیه یجب الاجتناب عنه، این ثمراتی دارد آیه قاعده کلی می‌گوید ثمره دیگر آن این است که اگر بگوییم میسر فقط بازی قمار با آلات قمار می‌گوید یعنی آیه ناظر به آن صورت جمع است و آنجایی که بردوباخت با آلات باشد هم می‌گیرد ولی ممکن است بگوییم این قاعده کلی فراتر از این است حتی اگر بازی تنهایی باشد مشمول آیه می‌شود. اگر بگوییم بازی رجس و پلیدی است یا اینکه بگوییم بازی با آلات بردوباخت نیست باز هم ممکن است بگوییم این پلیدی و زشت است، باید از آن اجتناب کرد. این تقریری است که در بیان امر چهاردهم ذیل آیه است که ممکن است کسی بگوید که آیه مقید به این عناوین



نیست چون آیه قاعده کلی می‌گوید که خیلی از جاها را می‌گیرد از جمله ممکن است آن دو صورتی را بگیرد که احد القیدین است، یا بردوباخت بدون آلات است و یا با آلات و بدون بردوباخت است و ممکن است که بگوییم آن‌هم پلیدی است. چون اینجا دیگر مقید به الفاظ میسر نیستیم که چطور معنا بکنیم، اینجا محور حکم، رجس می‌شود نه میسر که آن بحث‌ها پیدا بشود و دقت لازم باشد. رجس است و ممکن است بگوییم رجس هم اطلاق دارد، نه تنها این دو صورت را می‌گیرد خیلی چیزهای دیگر را هم می‌گیرد که اصلاً در آیه اسمی از آن نیست.

و صلی‌الله علی محمد و آله الطاهرین